

تشدید بحران درونی هیئت حاکمه

نابودی کمونیست‌ها هدف مشترک

اویسی ورژیم جمهوری اسلامی

"شبان" چه حق حیاتی دارند. امام میخواهد که اینها سعی داشته باشند و خواهند داشت.

بهر حال این مسائل که از ویژگی های جامعه ولایت فقیه است برپایه‌ی یکی از اختلاف بورژوازی و خرده بورژوازی می افزاید و نقش توطئه و مانور و دسیسه را مدجیدان میکند. مادر شماره های گذشته، بخصوص پس از انتخاب بنی صدر بعنوان رئیس جمهوریه چنین پیچیدگی ها و توطئه و دسیسه هایی که بر سر قدرت میان خرده بورژوازی و بورژوازی در جریان است را نشان داده ایم و سولاتی را که در خاسته انتخاب بنی صدر در اذهان بوجود آمده است مطرح ساخته ایم. کوشش بنی صدر پس از انتخاب به ریاست جمهوری جهت خاتمه دادن به سازعسات میان ایران و کشورهای امپریالیستی از طریق حل مسالمت آمیز ۱ مسئله جاسوسان امریکا و تلاش وی برای ایجاد محیط تفاهم ۲ و همکاری های اقتصادی میان ایران و اروپای غربی و ژاپن، کوشه هایی از ابهامات و ناروشتی های این انتخاب را آشکار ساخت و نشان داد که چه دستهای معجزه آفرینی، مادر دیکتاتور به ۱۱ میلیون رای جهت وسمت بدهد.

سکت او در این اقدام، کرچه هنوز نمیتوانست بیان کننده شکست راه و روشی متاخرشده های ولایت فقیه باشد، و این نشان داد که بورژوازی برای حصول محدودتگرهای از دست رفته، باید صبر پیشه کند و مدتی در جهت حیران آب شناکند. بنی صدر این چنین کرد. چرا که حزب جمهوری اسلامی که خود تا چندین سال از اس، سرکشیازی و حیره سری "دانشجویان بیروحوط امام" را عتاب و سررس میکرد و حتی رادیو و تلویزیون را از سلطه بلا مبارع "دانشجویان" خارج کرده بود، کوچکترین فرصتی را در دفاع بی تابند ۱ اقدام دانشجویان اردست داده و باز سرکی تمام ربربای بنی صدر و قطب راه را خالی کرده بود.

از این رو بنی صدر بهتر میبستند که مدتی در مسیر حیران سنا کند، و حتی قدری تندتر از حریف، با نشان دهد در سخا نیست، چیزی کمتر از حریف ندارد. او در می باید که ۱۱ میلیون رای در برابر حزب جمهوری اسلامی، ۱۱ میلیون رای منفعل است. حاکمیت و ادبی در دست گروههای ساز و نحت رهبری حزب جمهوری اسلامی است. تعیین کننده در مقطع فعلی، اینجا هستند. باید این نیروها را در جهت منافع و اهداف خود بسیج نمود. پس باید گروه را اردست حزب خارج کرد. منحل و جاسب و ایجاد خفقان برای حفظ قدرت، ابزار کار رژیم اندواید آنها را بخدمت گرفت. ولی باید محتاط بود. بتول خود این جناب "اول شما اخطار میکنیم، اگر کوس بدادند، سلسیم شما نخواهیم شد و با قاطعیت عمل میکنیم." و تاکنون نیز بهمین ساق رفتار شده است و البته برواج است که گروهها

مسئله تشکیل کابینه نه تنها اکنون مهمترین مسئله درونی رژیم است بلکه مسئله ایست که از هتکام سقوط کابینه بازرگان بخش مهمی از نیرو و تلاش باندهای مختلف قدرت را بخود اختصاص داده است و شاید حتی تا آخر عمر جمهوری اسلامی بعنوان صحنه ای از میدان تلاش و توطئه باقی بماند. کاری که کابینه باید بتواند انجام دهد. اگر چنین کاری اساسا "شدنی باشد" اینست که بر آورد متعادل سازی از مجموعه نیروهای شریک در قدرت ارائه دهد. بر آوردی که همه در آن نقش خود را با اندازه دلخواه بزرگ ببینند و نقش حریف را تا حد ممکن کوچک. و این امر با در نظر گرفتن تنگ نظری و کوتاه بینی باندهای قدرت اگر محال نباشد نزدیک به محال است.

در اینجا نه تنها حساب تنگ و مجموع نیروها باید ملحوظ شود بلکه حساب نیروئی که نه حدود مرزی برای خود می شناسد و نه با منطق متعارف میانه ای دارد نیز باید در نظر گرفته شود. نیروئی که رئیس جمهور و مجلس و... در مقابل آن چیزی کمتر از سایه با کماشته اند. نیروی فقیه فقها. حساب کنیم که در جاسعادی فردی که "بزرگیده امام" هم باشد، مثل آقای قطب راه، چیزی در حدود یک چهارم یک درصد آرا را بدست آورد اگر آراء عمومی در آن ارزشی داشته باشد و ی برای همیشه اردا سره ی قدرت یکنار خواهد رفت. اما در اینجا در برابر فقیه فقها، ایشان وزیر خارجه و تعیین کننده سیاست خارجی کشور، نماینده ملت در مسائل سابر ملل و... میگرد. زیرا اگر "بزرگیده بودن" در د جندانی را دوان کند "داماد" شدن بدون تردید معجزه آفرین خواهد بود.

حساب کنیم که در جاسعادی فردی بجرم توطئه با سران کشوری، که منمورا "در حالت جنگ با آن است، ارضحه طرد شود. انواع آنای نزدی در سناظ دیگر جهان هم رمانی بوده اند و امروز کسی آتیارا نمی سناسد. ولی در جاسعه معجزه آفرین ما همین جاب نماینده نیروهای "مسند امپریالیست" مننود و سراز مندوق بیرون می آورد. امام با ایشان نظر لطیف دارد و چون امام تعیین کننده همه چیز است ایشان همه کاره مسود. در کشوری که امام حتی سر دسر روز سنامد ها را تعیین میکند، طبیعی است که نظر گیرنده ایشان گرداننده کنیان میشود.

آمایان فروهر، طباطبائی، حسینی و آدمکهای مثل مگری هم سانس خود را آزمودند. و ارد صحنه انتخابات شدند چون صور کردند و مورد توجه امام بودن رای می آورد، نیاورد. مفضح شدند! بد ۱ اینجا که جامعه غربی نیست که رای نیاوردن بد باشد. بد ۳۵ میلیون "کوسفند" در مسائل

فشار حزب جمهوری اسلامی و سایر گروه‌های ارتجاعی از این قاعده مستثنی بوده هستند. تهدید نیروهای انقلابی و سرکوب آنان گشتار خلق کرد که هنوز هم شدت تمام ادامه دارد، سرکوب خلق ترکمن و قتل رهبران ستادشوراهای خلق ترکمن، تحدید آزادی مطبوعات و جلوگیری از انتشار نشریات سازمانهای انقلابی و مترقی، گشتار دانشجویان دانشگاه و... جملگی اقداماتی است که بیان کننده جدال درونی قدرت حاکم بر سر تثبیت و حفظ سلطه و موقعیت یکسری جناحهاست. عبارت دیگری بنی صدر هر جا که دامنه اقدامات فاشیستی جناح خرده بورژوازی حاکم موقعیت او را نیز تهدید میکرد، منفع ارتجاع وارد میدان شد و درنده خوترا از حریف فرمان گشتار را صادر کرد.

همه اینها، ولی مانع از این نمیشود که بنی صدر بظان تصورات خود را برای قبضه کردن قدرت دریابد. حتی جلوه‌ها بارز تقلب و ریاکاری حزب جمهوری اسلامی در امر انتخابات در بدو امر نتوانست جلودار این تصور گردد. او که در ابتدا میکوشد، با طرح مسئله تعادل و توازن در مجلس و اینگونه مجلس باید دارای چنان ترکیبی باشد که بتوان پشتیبان رئیس جمهور عمل نماید نتایج از اعلام نتایج انتخابات به هراس میافتد. هراس وی نیز نه از سر جانبداری از حقوق پایمال شده مردم، که از بخطر افتادن موقعیت خود است. دیدن اکثریت شکننده حزب جمهوری اسلامی در مجلس بختی برای بصدادر آوردن زنک خطر در گوش بنی صدر کافی بود. ولی بر حرص و آز و قدرت طلبی بی حد و حصر خرده بورژوازی پابانی نیست. خرده بورژوازی حتی به تقلب در انتخابات و کثرت نمایندگان خود در مجلس آینده نیز قناعت نمیکند. حق نیز با اوست. او در یافته است که مجلس این چنین فاسد مشروعیت لازم در اذهان نوده هاست و در نهایت سرنوشتی بهتر از سرنوشت مجلس آریا مهری نخواهد داشت. مجلس که ترکیب آن باز کوکننده نیروهای شرکت کننده در قیام و منطق ضد امپریالیستی جنبش مردم نباشد، فاقد جاذبه است و لاجرم در پیله تمایلات قشری انحصار طلبان خواهد مرد. از اینسرو باید پیش بینی های لازم بشود. چمران وزیر دفاع و سید علی خامنه ای معاون وزارت دفاع که هر دو بدلیل پیروزی در انتخابات مجلس باید از مشاغل و مناصب خود استعفاء بدهند، از طرف امام بعنوان مشاوران وی در شورای دفاع ملی منصوب میگردد تا همچنان بتوان وزارت دفاع را در کنترل گرفت. از طرف دیگر انتصاب ابوشریف از طرف بنی صدر به سمت نماینده رئیس جمهور در امور کردستان؟ نیز بیانگر عکس العمل نومیدانه بنی صدر در مورد این اقدام خرده بورژوازی بود.

همه این بازیها هشدارهایی جدی به بنی صدر بودند که میباید برای آن چاره جویی کرد. او کم کم در میابده که بهشتی و رفسنجانی و خامنه ای و... حاکمین بلامنازع جامعه هستند و تا زمانی که برنامه و پیشنهادی از کانال تأییدات عظام نگذرد، ره به عمل نخواهد برد. در چنین وضعیتی آیا برآستی دولتمداری جز "گماشتگی" معنایی دارد؟ رئیس جمهوری که نتواند بر افسار کسبخته ای چگون

خلخال لکام بزند آیا جز گماشتگی شایسته کار دیگری است؟ از اینسروست که بنی صدر نیز دست بدامن سوراخ دعا میشود. او که دیگر به برد حریف پس از اعلام نتایج انتخابات اطمینان پیدا کرده است، تصمیم میگیرد که حداقل مهارارگانهای اجرایی را بدست خود بگیرد. قدرت را هنوز میتوان تقسیم کرد و وقت هنوز هم برای پاره کردن و تقسیم آن باقی است. اگر او موفق شود قبل از تشکیل مجلس، فرصت را برای انتخاب نخست وزیر از حزب جمهوری اسلامی گرفته و از میان خیل تشکلات قدرت خود فردی را برای نخست وزیری انتخاب و اورا به تائید امام برساند، مجلس حزب جمهوری غلط میکند و حرف "آقا" حرف بزند و او را تائید نکند، در این صورت او توانسته است که با تعیین نخست وزیر و پس از آن، اعضاء کابینه، میدان عمل وسیعتری برای مقابله با مجلس حزب جمهوری اسلامی پیدا کند. او این نقشه را اجراء میکند و امام نیز "موافقت میشود" خود را اعلام میدارد، ولی کیست که بتواند در برابر موج تهدیدات و ارعاب حزب ایستادگی کند. دست همه حضرات در قدرت رو است و کارنامه انقلابی؟ بسیاری شان چندان هم که باید و شاید درخشان نیست. "دانشجویان پیرو خط امام" به اشارتی آماده افشاکاری اند، کیست که بخواهد منافع خود را فدای رقابت های افسار گسیخته دو حریف میدان کند. کسی حاضر نمیشود. حتی توضیحات "پروفسور و کارشناس اقتصاد" جناب بنی صدر در مورد اقتضای ضرورت های مقطع کنونی انقلاب در امر انتخاب نخست وزیر نیز نمیتواند، کسی را از میان انبوه جانبازان و طالبان شهادت جمهوری اسلامی و ادارا سازد که تن به چنین موهبتی بدهد. کار این افتخار چنان بالا میگردد که تنها خود حضرت بنی صدر کاندیدی "نخست وزیری موقت" میشود و قضیه تقریباً "خاتم یافته تلقی میگردد. چندانکه حتی ضرورت تاریخی انتخاب نخست وزیر موقت نیز پس از مدتی فراموش میگردد.

همه آنچه که رفت، گوشه هایی از بازیهای سیاسی قدرت حاکم است. بی شک آنچه که در پشت پرده میگردد بسیار است و شنیدنی که تاریخ در مورد آن سکوت نخواهد کرد. آنچه مسلم است اینست که ناوگانهای آمریکا در دهانه هرمز در انتظارند و فرودگاههای شناخته شده نشده در این مملکت فراوانند. در کنار فریادها و واهیوی قدرت حاکم چیزی با آرمی در حال تکوین است و دست بسیاری از حضرات در کار این تکوین. پس از گذشت بیش از یکماه از تهاجم هواپیماهای آمریکایی بخاک ایران، شورای انقلاب و رئیس جمهور هنوز مردم را قانع ندانسته اند تا آنها را از ماقع ماجرا مطلع ساخته، "ابها ما مسئله را روشن کنند. هنوز فرماندهان ارتش، که کمترین حرمان در این مورد میتوانند اهماال و قصور در انجام وظایفشان باشد (بقول خود حضرات)، نه تنها محکم پستهای خود را جسیده اند، بلکه تقدیر نیز میشوند.

در شرایطی که ناوگان آمریکا در خلیج فارس مانسبور میدهد، در شرایطی که صحبت کودکان کشور را تا بحدی فرا گرفته که حتی بخشی از یادوهای قدرت (مجاهدین انقلاب اسلامی) هشدار میدهند و اویسی علنا "در پاریس وعده ای کودتایی را میدهد که هدف اصلیش کمونیستها باشد، داشتن انتظار از -

تشدید بحران ...

رژیم جمهوری اسلامی برای اندیشیدن چاره ، فقط حاکی از توهم درباره ماهیت این رژیم خواهد بود . بنا براین رژیم نه تنها در فکر چاره اندیشی برای مقابله نیست ، بلکه تمام اقدامات آن نمایانگر همبستگی و همدلی با جنین وفاسعی است و چه انتظاری حراین ؟ مگر نه اینکه هر رژیم مدافع سرمایه هدفش سرکوب دشمنان طبقاتی خویش است ؟ پس سعی ندارد که اویسی و رژیم جمهوری اسلامی ، یکسانی در اونسفورم نظامی و دیگری در اونسفورم حوزه علمیه ، هر دو هدف اصلی کسانشان را کمونیستها قرار دهند . با این حال پس آنکه بعد از قتل عام درد استکاد ، این یار نویسنده حمله او را با رجحان بدستیا به ادارات برای " انقلاب اداری " است

و باررونی است که نصیبه عناصر مرفعی و جب درد سوز کار قرار دارد . منتظرید ترا از این نیز باید بود . این درست کیست سرکوب عقیده فعلا " ناحدودی محدودید حوزه دانشگاه است و فروشندگان نشریات مرفعی در آنجا مورد حمله قرار میگیرند ، ولی چه بسا که خانه گردیدها و دستگیر ، یا نیز کم شروع شوند برای شروع استکار سرمایه مقدمه جینی دارند که آنرا هم شروع کرده اند . نگاهی به هتداهای مادر شماره های ۲۹ و ۳۳ رهائی ، میتواند سرکوبد شای آران برنوا فکند .

لیکن ، هتاکونه که تحریر رژیم ناه نشان داد ، این رژیم نیز تا در به سرکوب جنین جب و کارگری نخواهد بود و آنرا جنین خلق کرد و جویی اشات کرده اند . بگذار آرموده راستک با و دیگر سرمایه ها مستند .

